

# BAPTISTS بابتیست‌ها

مهرداد ناظری

بابتیست‌ها (Baptists) فرقه‌ای از مسیحیت به شمار می‌آیند که پیشینه و ظهورشان به عصر اصلاح دینی بازمی‌گردد. اگر نگاهی گذرا به آغاز جنبش اصلاح دینی در غرب بیفکنیم، خواهیم دید بخشی از این جنبش، بر دوش **انابابتیست‌هایی** [۱] بود که به عنوان پیشگامان فرقه بابتیسم شناخته می‌شوند. اگرچه جریان اصلاح آموزه‌های کلیسا به قبل از ظهور فرقه بابتیسم بازمی‌گردد، اما در عصر اصلاح دینی، هنوز اصول و قوانین دست‌وپاگیری وجود داشت که اسباب نارضایتی برخی از مسیحیان، از جمله بابتیست‌ها را فراهم می‌ساخت. پیروان این فرقه، به پیروی از «یحیای تعمیددهنده»، معتقد بودند که غسل تعمید برای کودکان ضروری نیست و این عمل می‌باید زمانی صورت گیرد که فرد از درون و از اعماق وجود ضرورت و معنای عمل تعمید را حس کند. آنها تأیید می‌کردند که در عصر مسیح، تعمید مخصوص افرادی بود که سن بلوغ را گذرانده بودند و به صورت داوطلبانه به مسیحیت می‌گرویدند. این تصور، البته ریشه در نگرش‌های فرقه مسیحی **کنگرگیشنال** [۲] داشت. این فرقه، که شکل اصلی **پیوریتانیسم** [۳] انگلستان است، به اداره دموکراتیک کلیسا توسط مؤمنین باور داشت.

در میان انابابتیست‌ها نظریات متفاوتی وجود داشت. به طوری که آنها هم به چند فرقه تقسیم می‌شدند. مثلاً یک دسته از مشهورترین آنها از هانس دنگ و لودویگ هستر

پیروی می‌کردند. اینان منکر الوهیت مسیح بودند و عقیده داشتند مسیح صرفاً روحانی‌ترین مردم بود که گناهان ما را نه با جان‌دادن بر صلیب بلکه با زندگی بی‌مانند خود بازخرید. دنگ، وجدان فردی را از کلیسا و حتی کتاب مقدس برتر می‌شمرد.

اما نقطه عطف شروع نهضت بابتیست‌ها، سال ۱۵۲۳ میلادی بود که عده‌ای از مؤمنان مسیحی با تشکیل جماعتی خاص و باایمان، خود را از حاکمیت کلیسا منفک کردند. آنها تعمید کودکان زیر ۷ سال را عملی شیطانی می‌دانستند. نهضت انابابتیست‌ها به سرعت در آلمان و سوئیس گسترش یافت. از ویژگی‌های مورد توجه تعمیددهندگان این بود که با استناد به اینکه کشتن انسان‌ها گناه است از زیر بار خدمت نظام شانه خالی می‌کردند. آنها، عمل سوگندخوردن را گناهی بزرگ می‌دانستند و از سوگنددادن شاهان و امپراتوران خودداری می‌کردند.

یکی از رهبران برجسته انابابتیست‌ها منو سیمونز هلندی بود که به یک رهبر برجسته در آلمان و هلند مبدل گردید. او که زندگی خود را وقف این مسیر کرده بود، پس از گذشت زمانی کوتاه، توانست طرفداران زیادی پیدا کند. بعدها پیروان او را **مونوت** [۴] نامیدند که با مهاجرت به سراسر اروپا باعث گسترش و تثبیت این دیدگاه شدند. مونوت‌ها وجوه مشترک فراوانی با بابتیست‌های امروزی دارند، اما بیشتر بر مبنای شاگردی و سرسپردگی کامل به مسیح شناخته می‌شوند.

یکی از ویژگی‌های مهم انابابتیست‌ها که اعتقاد به آن در بین بیشتر فرقه‌های آنها دیده می‌شود، مساله بازگشت مسیح است. انابابتیست‌ها با استناد به «مکاشفه یوحنا ی رسول»، در انتظار روزی به سر می‌برند

که مسیح به سوی آنان بازگشت کند. آنها معتقدند با بازگشت وی ظلم و بی‌عدالتی از بین خواهد رفت و همه، به غیر از معتقدین واقعی به انابابتیست‌ها، کشته خواهند شد. بر همین مبنا بسیاری از ایشان با دشواری و رنج روزگار می‌گذرانند تا در روز موعود به رستگاری برسند.

مجموع عقاید اصلاحی تعمیدی‌ها سبب گسترش چشمگیر آنها در قرون بعدی گردید به طوری که اصلاحات کلیسا در قرن نوزدهم ریشه‌های خود را از تعمیدی‌ها گرفت. برجسته‌ترین مبلغ تعمیدی‌ها در انگلستان، چارلز هادون سیوجرن (۱۸۹۲-۱۹۳۴) بود. وی اتحادیه‌ای از تعمیدی‌ها تشکیل داد که با هر گونه اصول ایمانی که مغایر با حقیقت مسیح انجیلی بود، مقابله می‌کردند. در قرن نوزدهم عده‌ای از تعمیدی‌های انگلیس به امریکا مهاجرت کردند و سبب گسترش این فرقه در این قاره گردیدند. به طوری که اینک مهم‌ترین کانون تجمع بابتیست‌ها، امریکاست و دیدگاه‌های دینی این فرقه بر نگرش مسیحیان امریکا غالب است.

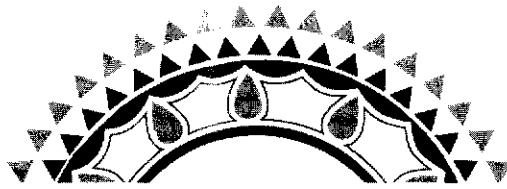
امروزه، در سایه مبارزات تاریخی تعمیدی‌ها، میلیون‌ها نفر پیرو این فرقه در دنیا، بخصوص امریکا، سوئد انگلستان، ایتالیا زندگی می‌کنند.

## آموزه‌ها و اعتقادات بابتیست‌ها

اگرچه شرح کامل اصول و ویژگی‌های این فرقه نیازمند مجالی فراخ است، اما برخی اصول مورد قبول آنها به این شرح است:

۱. اولین اصل مورد قبول تمام بابتیست‌ها این است که «حقیقت» را صرفاً باید در زندگی و اعمال مسیح و

پرتال جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



بی نوشت‌ها:

۱. آناباپتیست‌ها (Anabaptists): فرقه‌ای از مسیحیان که در قرن ۱۶ میلادی در آلمان پیدا شدند و مخالف نعمید اطفال و نیز دخالت کلیسا در امور سیاسی بودند.
  ۲. کنگرگیشنال (Congregational): فرقه‌ای پروتستان که به خودمختاری درونی هر کلیسا باور دارد و ظهورش به قرن ۱۴ میلادی بازمی‌گردد.
  ۳. پیوریتانیسم (Puritanism): پاکدینی. فرقه‌ای از پروتستان‌های انگلیسی که در دوره ملکه الیزابت ظاهر شد و علیه آداب و رسوم کلیسای کاتولیک رم قیام کرد. طرفداران این فرقه طرفدار سادگی در ایمان و عبادت بودند.
  ۴. منونیت‌ها (Mennonites): فرقه‌ای از مسیحیان پروتستان که نام خود را از «منو سیمونز» گرفته‌اند. منونیت‌ها طرفدار سادگی ایمان و کناره‌گیری از سیاست هستند.
- منابع:
۱. لین، تونی، تاریخ تفکر مسیحی، ترجمه روبرت ایربان، نشر فرزانه، ۱۳۸۰.
  ۲. جهان مذهبی ایران در جوامع امروز، جمعی از نویسندگان، ترجمه عبدالرحیم گواهی، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴.
  ۳. توماس میشل، کدام مسیحی؟، ترجمه حسین توفیقی، نشر طه، ۱۳۸۰.
  ۴. مولند، ایثار، جهان مسیحیت، ترجمه محمد انصاری، مسیح مهاجری، نشر امیرکبیر، ۱۳۸۱.
  ۵. ویل دورانت، تاریخ تمدن، جلد ۴ و ۵، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹.

است. به عبارت دیگر، مؤمنان به مسیحیت با درک تجلی روح خدا در انسان مسیر خود را خواهند یافت بدون آنکه نیازی به دستگاه‌های مذهبی یا اعتراف‌نامه‌های متداول باشد.

۴. یکی دیگر از مهمترین ویژگی‌های بابتیست‌ها که آنها را نسبت به سایر فرقه‌های مسیحی، دموکراتیک‌تر نشان می‌دهد، مراسم است که برای پذیرش کشیش انجام می‌دهند. در این فرقه، هنگامی که یک فرد به عنوان کشیش انتخاب می‌شود، این انتخاب حق ویژه‌ای برای او در پی ندارد. ضمن اینکه گزینش و نصب وی منوط به تأیید یک جمع، اعم از دو مرد یا دو زن صلاحیت‌دار است که از سوی یک انجمن محلی برای این کار انتخاب شده‌اند. پس از تأیید، کشیش موظف است اعتراف ایمانی خود را در برابر جمع اعلام دارد.

۵. طبق نظر بابتیست‌ها، شرط سلامت ایمان، و تنها راه فلاح و رستگاری، گذر از معرفت کاذبی است که در نتیجه حاکمیت کلیسا پدید آمده است. بر طبق این نظر، دستیابی به معرفت الهی منوط به بازگشت به فیض خداوند است. اگرچه تعمید نقطه شروع پذیرش دین مسیح است، اما این تحول به معنای تولد معنوی محسوب می‌شود، چراکه شعله‌های عشق و ایمان و تحول روحی متضمن حرکت در مسیر مسیحیت و گوش سپردن به ندای مسیح است.

حواریون اولیه، به عنوان معیارها و الگوهای جاودانه دینی، جست‌وجو کرد. رفتار کلیسای قرون وسطی به هیچ روی نمی‌تواند محور شناخت و عمل مسیحیان باشد. تنها راه سعادت بشر در گرو باور به زندگی و اخلاق مسیح و حواریون اولیه است و آنچه پس از آن به ما رسیده انحرافی در دین مسیح است.

۲. یکی دیگر از ویژگی‌های اساسی بابتیست‌ها، مساله تعمید است. ایشان معتقدند که تعمید کودکان، عملی است ناصحیح، چراکه پذیرش دین را در آدمی به صورت اجباری درمی‌آورد. ما باید به کودکان، آزادی فکر و اندیشه دهیم تا با اعماق وجود به مسیح ایمان آورند؛ پس از آن، خود آنها داوطلبانه به سوی خلوت‌اند حرکت خواهند کرد. بر همین اساس تعمید مختص سن بلوغ است. بابتیست‌ها معتقدند که این نگرش، آزادی مذهبی را در آدمیان بارور خواهد کرد. لازم به ذکر است که تعمیدی‌های معاصر این مفهوم را به عدم دخالت دولت در مذهب گره زده‌اند که به جدایی مطلق کلیسا از دولت و حکومت منجر شده است.

۳. بابتیست‌ها حقیقت تاریخ انسان را، تاریخ جنال میان لاهوتی‌ها و ناسوتی‌ها می‌دانند. طبق این دیدگاه، در درون هر فرد، راهی به سوی نور وجود دارد که در طول تاریخ به واسطه حضور کلیسای سازمان‌یافته به انحراف کشیده شده است. بر همین اساس، رسیدن به ایمان شامل جدایی از کشیشان و تشکیلات و نهادهای مذهبی

